

بسمه تعالی

مسئولین محترم خبرنامه فرهنگی اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی
پس از سلام، با توجه به درج مطالب سرتا پا کذب در شماره ۱۲۸ آن خبرنامه، خواهشمند است طبق قانون مطبوعات جوایبه
ذیل را در اولین شماره خود درج نمایند.

۱ نوشتن شما که یک مقام آگاه در واکنش به شایعات اخیر در باره برخورد با آقای منتظری گفت: در این ماجرا حتی
یک پاسدار شرکت نداشت و هیچیک از علما و اعضا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از وی حمایت نکردند. اولاً خود
پاسداران حمله کننده بهترین شاهد هستند، گرجی هم ممکن است در شرایط موجود جرئت تکذیب گفته‌های مقام آگاه شما را نداشته
باشند اما وجدان بیدار آنها را به شهادت می‌گیرم و انتظار دارم که لااقل هر کدام که شخصا در این حمله شرکت داشتند با
نامهای با امضا محفوظ خبرنامه شما را در جریان بگذارند و جهت رضای خدا کتمان حقیقت نکنند.

به علاوه مقصداری از اثاثیه غارت شده دو روز بعد از ماجرا از طرف سپاه عودت داده شد و رسیدهای آن موجود است. در
همین رابطه یکی از مسئولین سپاه قم اظهار می‌داشت که اگر آن شب ما نمی‌پریدیم اطلاعات می‌پرد و...، ثانیا اینکه علما و
اعضا جامعه مدرسین از ایشان حمایت کردند یا نکردند امر واضحی است که بهترین شاهد آن شاگردان حاضر در جلسات
درس آن بزرگواران هستند ضمن اینکه از خود آنان انتظار می‌رود چنانچه صلاح بدانند حقیقت را روشن‌تر نمایند.

۲ از قول مقام آگاه ادعا کرده‌اید که از طرف معظمه راهپیمایی ۲۲ بهمن به مسخره گرفته شده و اینکه گفتن راهپیمایی
ورزش هم هست.

اولاً چنانچه به خودتان زحمت می‌دادید و نوار سخنرانی ایشان را تهیه می‌کردید و مستقیماً در جریان قرار می‌گرفتید قضاوت
شما فرق می‌کرد و ای کاش چنین می‌کردید و تنها به اظهارات مقام آگاه استناد نمی‌کردید. آیا در محکمه عدل الهی هم می‌توانید
این عذر را بیاورید که مقام آگاه گفت و فقط ما نقل قول کردیم؟ الان هم رسم جوانمردی و آزادگی و انصاف و دینداری این است
که متن کامل بیانات ایشان را در خبرنامه بیاورید و قضاوت را بر عهده مردم بگذارید. اختیار با شما است.

ثانیاً این را که راهپیمایی ورزش هم هست چه کسی منکر است؟ و چنین تعبیری به هیچ وجه مسخره کردن راهپیمایی نیست.
اگر عین جملات ایشان و قبل و بعد آن را می‌آوردید مسئله کاملاً متفاوت می‌گردد. اگر کسی چنین تعبیری را مسخره کردن راهپیمایی
به حساب آورد باید این کلام رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه را که فرمود: "صوموا تصحوا" مسخره کردن روزه به حساب
آورد و....

مطلبی را که در همین رابطه لازم به ذکر می‌دانم و امیدوارم باعث عبرت ما و شما و همه مسئولین و
دستانداران قرار گیرد اینکه چنین تعبیری را که راهپیمایی ورزش هم هست فقیه عالیقدر در هنگام تصدی قائم‌مقامی رهبری
فرمودند و هرگز چنین برداشتی نشد، اما الان سرهمان تعبیر اینقدر معرکه گرفته‌اند.

۳ در مورد اینکه چند و انت و کامیون اطلاعاتیه و شبنامه آماده توزیع کشف شده است جواب مشروح را اینجانب در
تکذیب اکاذیب کیهان‌هوانی و رسالت‌نوشتم ولی متأسفانه چون این دو نشریه خود را ملزم به رعایت قانون مطبوعات
نمی‌دانند اقدام به چاپ آن نکردند و خلاصه آن اینکه اینها اطلاعاتیه و شبنامه نبوده بلکه آرشیو دفتر بوده است که طی ۱۴ سال پس
از انقلاب از انواع روزنامه، بولتن، مجله، نامه‌ها تلگرافات و غیره تشکیل شده بود و مهاجمین با متلاشی کردن و غارت این
مجموعه ارزشمند زمینه چنین تهمتی را درست کرده‌اند و چون هیچگونه صورت جلسهای تنظیم نکردند ممکن است در آینده صلاح
را در این بینند که چیزهای دیگری را هم بر آن اضافه کنند و انت و کامیون تبدیل به تریلی و کشتی و... شود. اینجانب به عنوان
مسئول دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری اطمینان کامل دارم که هیچگاه دفتر ایشان اطلاعاتیه علیه حضرت امام
خمینی قدس سره شریف تکثیر نشده است، حتی اطلاعاتیه که در ظاهر به طرفداری فقیه عالیقدر و تعرض نسبت به بعضی
مسئولین مملکتی منتشر شده بود وقتی متن آن را معظمه مطالعه کردند از آن اظهار تنفر شدید نمودند چه رسد به حضرت
امام (ره) که استاد و مری ایشان بوده‌اند. هنوز فقیه عالیقدر در جلسه درس خود به هنگام نقل نظریات فقهی از
امام خمینی (ره) به عنوان الاستاذ الامام طاب ثراه نام می‌برند، آیا ممکن است چنین شاگرد با وفائی اجازه جسارت به چنان
استاد فرزانه‌ای را بدهند؟

۴ نوشتن شما که از اموال دفتر ایشان فقط وسائل تکثیر اعلامیه‌های ضد امام توقیف شدند. کاملاً مشخص است که همه این
لاطانات برای توجیه عمل ناشایستی است که انجام داده‌اند و مورد تقبیح همه قرار گرفتند و گرنه نه اطلاعاتیه ضدامام وجود داشته و
نه اموال توقیف شده‌ها به وسائل تکثیر بوده است، بلکه وسائل مورد بحث ۶۴ مورد از قبیل دوربین، جاروبرقی،
موتورسیکلت، منبع آب، ساعت دیواری، وضوخانه، پارچه و کاغذ سفید، لامپ چراغانی، ماشین اصلاح، گوشی تلفن،
نوارهای سخنرانی شهید محمد منتظری و پاسپورت و دفتر جتلفن و عکسها و وسائل شخصی آن شهید بزرگوار که مقداری
از آن هم ملک صغیر است، از جمله آن‌هاست که لیست کامل آن به پیوسته ارسال می‌گردد. لازم به ذکر است که ۱۵ مورد آن دو روز
بعد عودت داده شد ولی ۴۹ مورد دیگر آن که از جمله اموال آن شهید می‌باشد بدون هیچ مجوزی هنوز در دست مهاجمین است و
اصولاً توقیف در کار نبوده بلکه غارت شبانه و بدون ارائه حکم و تشکیل صورت جلسه انجام گرفته است و آن تعداد دستگاه
غارت شده حتی برای تکثیر اوراق درسی و آثار علمی معظمه کافی نبود چه رسد به اینکه خدای ناکرده اعلامیه‌های مورد ادعای
مقام آگاه هم تکثیر شود.

۵ نوشتن شما که بیت آقای منتظری از مردم و بازار نجف آباد می‌خواهد که دست به اعتصاب و اعتراض بزنند که با پاسخ منفی
مواجه می‌شوند.

این ادعا کذب محض بوده و قضیه کاملاً برعکس است. خبرهای متواتری از نجف آباد می‌رسد که مردم قصد اعتصاب دارند که هم
از طرف فقیه عالیقدر و هم از طرف دفتر معظمه و هم از طرف حضرت حجة الاسلام والمسلمین ایزدی نماینده ایشان در نجف آباد

پیوست شماره ۲۲۲: شکوائیه آقای مهندس فتح‌الله ربانی‌املشی فرزند مرحوم آیت‌الله ربانی‌املشی در اعتراض به حمله شبانه به
بیست و دهم دفتر فقیه‌عالی‌قدر، مورخه ۷۱/۱۲/۲۹

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر معظم جمهوری اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
سلام علیکم

ضمن اظهار ارادت و آرزوی سلامتی و موفقیت جنابعالی و نصرت اسلام و مسلمین حسب وظیفه مطالبی را به عرض می‌رسانم.
قبلا از بذل توجه شما تشکر می‌کنم.

نقش روحانیت و مرجعیت شیعه در هدایت امت اسلامی نقشی بسیار موثر و غیر قابل انکار می‌باشد. به خصوص
در مواقعی که اسلام و مسلمین از جانب دشمنان تهدید می‌شود این نقش آشکارا خود را نشان می‌دهد که با بسیج توده‌های مردم
مسلمان و مبارزه با ستمگران خطر را دفع نموده‌اند. در مقاطع مختلف تاریخ این موضوع به وضوح و مکرر دیده می‌شود و این از
امتیازات مخصوص شیعه است که دیگر فرق اسلامی و دیگر مذاهب از آن بی‌بهره هستند. یکی از علل برخورداری
روحانیت از این موهبت الهی، تقدس روحانیت و به تبع آن احترام و اعتماد مردم به آنها می‌باشد و از آن مهمتر حساسیتی که مردم
به حفظ این حرمت و تقدس دارند و چه بسیار اتفاق افتاده است که مردم مسلمان با ایشار جان خود در مواقع خطر از آن دفاع کرده‌اند.
در انقلاب مقدس جمهوری اسلامی که به رهبری روحانیت و در رأس آن حضرت امام (ره) آغاز شد مشاهده می‌شود که نقاط عطف و
اوج‌گیری انقلاب چیزی جز دفاع از حریم مرجعیت نبوده است. با شنیدن خبر دستگیری حضرت امام در پانزده خرداد ۴۲ مردم به
خیابانها ریختند و با نثار جان خود از حریم مرجعیت شیعه دفاع کردند و با آفریدن حماسه‌های جاودانه آن رژیم منفسور را رسوا
نمودند و ماهیت پلیدش را بر همگان آشکار کردند. در نوزده دی‌ماه ۵۶ به دنبال اهانتی کدر یکی از روزنامه‌ها به ساخت مقدس
حضرت امام مرجع تقلید مردم شده بود مردم به خیابانها ریختند و با ایشار جان خود از حریم مرجعیت دفاع کردند و به دنبال آن مردم
دیگر شهرها یکی پس از دیگری قیام کردند تا بالاخره آن رژیم خونخواری که توسط همه جهان‌خواران حمایت می‌شد از پای درآمد. اگر
نبود حرمت مراجع و علما و حساسیت مردم به حفظ این حرمت این انقلاب به ثمر نمی‌رسید. این موضوع را دشمن دیر زمانی
استدرا یافته لذا با طرح نقشه‌های مختلف درصددتک حرمت علما و روحانیت در بین مردم بوده است ولی بعمدالله به علت
آشکاربودن چهره‌پلید دشمن و هوشیاری مردم موفقیت چندان بی‌دست نیآورده است.

متأسفانه اخیراً عده‌ای از خودیها این نقش را به عهده گرفته‌اند و فارغ از تمام مشکلات مملکت، تمام هم و غم خود را مصروف آن
می‌کنند و آن هدفی را که دشمن از نیل به آن ناکام مانده است تعقیب می‌کنند و خطر اینجاست که به اسم دفاع از اسلام و
انقلاب عمل می‌کنند و همین‌امر ممکن است باعث مشتبه‌شدن مردم گردد و اگر خدای نکرده کوچکترین موفقیتی در این زمینه
بدست آورند سرمایه بزرگی را از دست‌دادیم که جبران‌ناپذیر است.

منظور از ذکر این مطالب اتفاقات ناگواری است که حدود یک ماه پیش در قم اتفاق افتاده است. حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در
روز ۲۱ بهمن سخنانی را بعد از درس در جمع محدود طلاب ايسراد فرمودند. بعد همانهایی که چندین سال است هدف شومی را
دنبال می‌کنند بنون آنکه به عواقب خطرناک آن توجه داشته باشند وارد عمل شدند. ابتدا با تحریف سخنان معظمله در جمع عده‌ای
از علاقمندان به انقلاب باعث شدند بعد از نماز جمعه عده‌ای در جلو دفتر جمع شده و پس از مدتی اسانه ادب و اهانت متفرق شدند.
شب بعد عده زیادی از نیروهای اطلاعات و سپاه و انتظامی پس از قطع تلفن های منطقه به محاصره کوچهای اطراف دفتر
پرداختند سپس با طرز بسیار زشتی با شکستن قفلها و درهای دفتر و حسینیه شهنا هر چه را دیدند بردند. وقتی به روش کار و اقدام
اجناس برده شد توجه شود مشخص می‌شود طراحان این عملیات هدفی جز تک حرمت و اسانه ادب به یک مرجع تقلید بسا آن
همه سوابق درخشان در انقلاب نداشتند. کاری کردند که در تاریخ کسابقه یا بی‌سابقه است. بدعتی گذاشتند که معلوم نیست به کجا
بینجامد.

همزمان با عملیاتی که در دفتر و حسینیه انجام می‌گرفت برای همسایگان هم مزاحمت‌هایی صورت می‌گرفت. منزل ما
با دفتر یک کوچفاصله دارد. مادرم در شروع عملیات در منزل همسایره که حدود بیست متر با منزل ما فاصله دارد رفته
بود بعد از ساعتی جهت استراحت قصد مراجعت به منزل را داشتند ولی مامورین مانع شده بودند و بعد به واسطه
خسوتتها و اهانت‌های بعضی مامورین که از ذکر بعضی از آنها شر دارم، حالشان بهم خورده بود و غش کردند. هرچه همسایره
تلاش و التماس کرده بود که اجازه بدهند از منزلمان دارو بیاورند مورد قبول واقع نشده بود. تلفن هم قطع بود و نمی‌توانستند از
اورژانس کمک بگیرند. مادرم به همین حال مانده بود تا بعد از مدتی به هوش آمد. ساعت ۲/۳۰ که عملیات تمام شده بود
ایشان توانستند به خانه بیایند و این گروشهای از حرکات آقایان در آن شب بود برخوردی که بسا یک خانم
مریض داشتند. خانمی که تا آنجا که من از کودکی خودم یاد دارم یا پشت در زندانها برای ملاقات پدرم بود، یا در تبعیدگاهها
همراه پدرم.

راستی این برخوردها چه نتیجه‌ای دارد. شکستن حریم مرجعیت برای اسلام و مسلمین چه نفعی دارد که آقایان با دروغ و افترا و
اعمال خلاف شرع این کار را با جدیت تعقیب می‌کنند. استفاده از نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و شکستن قفلها و درهای
حسینیه و دفتر در تاریکی شب و بردن وسایل و لوازم موجود در آنجا نشانه چیست؟ آیا این کارها باعث تقویت نظام و استحکام
وحدت مردم می‌شود؟ هر شخص منصفی از واقعیت این برخوردها آگاه شود چه می‌گوید؟ چرا دست آقایان اینقدر باید باز
باشد تا به اسم اسلام و انقلاب و استفاده از امکانات دولت اسلامی هرکاری دلشان می‌خواهد بکنند و متأسفانه منعکس
کنند که دستورات حضرت تعالی را اجرا می‌کنند. آقایانی که طراحان این قضایا هستند توجه ندارند که مسئولیت قائم مقام رهبری
باری بود بر دوش حضرت آیت‌الله العظمی منتظری که با تفضل خداوند منان این بار از دوش ایشان برداشته شد. ظاهراً
استنباط آقایان از مسئولیت در جمهوری اسلامی غیر از این است که اینگونه عمل می‌کنند. ایشان به اندازه سن اکثر این آقایان

سابقه اجتهاد و سابقه مبارزاتی درخشان دارند. شخصیت ایشان ناشی از مسئولیت ظاهری که چند صباحی علیرغم میل باطنی ایشان بر عهدشان گذاشته بود نمی‌باشد. نمی‌توان فضایل و ارزشهای والای اسلامی ایشان را نادیده گرفت و هرگونه تلاشی در این جهت ظلمی است که نتیجه‌ای جز خسارت دنیا و آخرت برای عاملین آن در پی ندارد.

از این که با ذکر این مطالب مصدع اوقات شریف جنابعالی شدم عذر می‌خواهم ولی واقعیت این است که بنده به عنوان مقلد و مرید حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در این چند سال از این برخوردها بسیار زجر کشیده‌ام زیرا همان حساسیتی که نسبت به حفظ ساحت مقدس حضرت امام (ره) داشتم برای ایشان نیز به عنوان مرجع تقلیدم قائم و نمی‌توانم بینم عدای بی‌توجه هر روز به بهانه‌های قصص شکستن این حریم را دارند و به عنوان یک فرد علاقمند به انقلاب وظیفه‌ای جز شاهد این ماجراها بودن و زجر کشیدن نداشته‌ام هرچند معتقدم این اعمال ناشایست خللی به عظمت و اعتبار ایشان وارد نمی‌کند.

آنچه مسلم است ظلم بزرگی به معظله روا داشته می‌شود هم از ناحیه عاملین و هم از ناحیه ناظرین که به ظلم‌پودن این برخوردها معتقدند اقدامی جهت رفع آن نمی‌کنند. معلوم نیست کی و کجا آثار این ظلم در جامعه آشکار می‌شود و همین موضوع جای نگرانی بسیار دارد. "واتقوا فتنه لاتصیب اللین ظلموا منکم خاصه"

از خداوند مستعال توفیق روزافزون حضرتعالی و تمام خدمتگزاران به اسلام و مملکت اسلامی را خواهیم.

با تشکر ارادت‌مند
فتح‌الله ربانی‌املشی
۷۱/۱۲/۲۹

پیوست شماره ۲۳۳: تلفنگرام معظله به امام خمینی در مورد دادگاه ویژه روحانیت، مورخه ۶۵/۷/۱۱
بسمه تعالی

محضر مبارک آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله‌العالی
پس از سلام، در مورد دادگاه ویژه در حوزه علمیه قم از قرار مسروح حضرتعالی موافق با تشکیل مجدد آن می‌باشید مناسب دانستم به اطلاع پرسنم شورای عالی مدیریت اخیراً پنج نفر از فضلا که عبارتند از آقایان حاج شیخ علی میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و حاج شیخ حسین کریمی مسئول دادگستری شهرستان قم را جهت رسیدگی به مسائل اخلاقی و فکری و نظارت بر اعمال طلاب حوزه و حرکت‌های افراد ضدانقلاب تعیین و به تایید آیت‌الله العظمی گلپایگانی و اینجانب نیز رساندم و قرار شده است با حفظ شئون مورد نظر مراتب لازم از قبیل تذکر و تهدید به قطع شهریه و محرومیت از دیگر مزایای حوزه و اخراج از مدارس و یا حوزه و یا خلع لباس، با افراد مربوطه برخورد شود و اگر درموردی این مراتب موثر واقع نشد به دادگاه‌های مربوطه شهرستان قم اعم از انقلاب و عمومی و حقوقی معرفی تا طبق ضوابط قانونی و اسلامی با آن فرد عمل گردد، با توجه به آنچه عرض شد و اینکه اکثریت قاطع فضلا و طلاب و بسیاری از مدرسین نظرشان همین است و به علاوه در گذشته دادگاه ویژه تجربه خوبی نداشت و کارهای بی‌رویه و خارج از شئون روحانیت و اهل علم در حوزه زیاد انجام شد و اینکه در دستگاه قضایی شهرستان قم قضات شرع روحانی زیادی بکار مشغولند علیهذا به نظر اینجانب نیازی به تشکیل مجدد دادگاه ویژه نیست مستثنی الامر باید به دادگاه انقلاب شهرستان قم سفارش شود در مواردی که به حرکات ضدانقلابی مربوط می‌شود قاطعانه و بدون محافظه‌کاری برخورد نماید معذک امر، امر مبارک است. سلامت کامل و طول عمر حضرتعالی را از خدای متعال مسئلت دارم. ا.د.الله
ظلمکم علی رؤس المسلمین.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۴: پاسخ آقای سید احمد خمینی از قول حضرت امام به معظله
بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت‌الله العظمی آقای منتظری دام تبرکاته
پس از عرض سلام، حضرت امام مدظله فرمودند:
من صلاح آقایان میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و کریمی را نمی‌دانم که هر روز یک و یا چند روحانی نما را خلع لباس و یا تبعید و زندان نمایند. آقایان محترم در حد تذکر و حداکثر تهدید بسنده کنند ولی آنچه به نظرشان میرسد را به فردی که برای این موضوع انتخاب می‌شود که باید قاطع و محکم باشد و تحت تاثیر تلفن‌ها و فشارها قرار نگیرد، معرفی نمایند تا او برخوردی حساب شده در حد روحانی نمای معرفی شده از طرف آقایان بنماید، و هم چنین فرد مذکور می‌تواند با گزارشاتی که در این زمینه دریافت می‌نماید بدون واسطه آقایان اقدام نماید. این به هیچ وجه با آنچه حضرت آیت‌الله آقای گلپایگانی و شما موافقت کرده‌اید منافات ندارد. راقم این سطور به حضرتعالی و سایر دوستان سلام دارد.

۶۵/۷/۱۲

احمد خمینی

پیوست شماره ۲۳۵: نامه معظله به آیت‌الله العظمی گلپایگانی در ارتباط با ضرورت حفظ استقلال حوزه‌های
علمیه مورخه ۱۳۷۱/۱۲/۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی دام تبرکاته
پس از سلام و تحیت به عرض می‌رساند: حوزه علمیه قم "صانه‌الله تعالی عن الحدثان" با وسعتی که پیدا کرده و از هر جهت

مورد توجه عالم‌تشیع و دوست و دشمن قرار گرفته، اینک زعامت و حفظ استقلال و عظمت آن عملاً به عهد حضرت‌تعالی گذاشته شده و قهراً تحمل زحمت‌داری این راه موجب خوشنودی خدا و اجر عظیم خواهد بود. خاطر شریف مستحضر است که عظمت حوزه‌های علمیه شیعه همیشه مرهون استقلال آنها و جدائی از مراکز قدرت بوده است. معیار فضیلت‌ها در حوزه‌های علمیه باید درجات علمی و تقوی و جنبه‌های معنوی و بزرگمنشی اشخاص باشد. اداره شئون حوزه باید در داخل آن به دستور زعیم حوزه و به تصدی منصوبین از قبیل او انجام شود. در چنین حوزه‌ای است که ممکن است امثال شیخ‌انصاری و میرزای شیرازی قدس‌سرهما تربیت شوند که علاوه بر درجات علمی و معنوی دارای استقلال فکری و قاطعیت بودند و تحت تاثیر قدرتهای مادی و سیاسی جهان قرار نمی‌گرفتند. ولی متأسفانه مشاهده می‌شود که مسیر حوزه علمیه قهیه سمتی است که در آینده چیزی شبیه حوزه‌های دولتی اهل سنت خواهد شد که از خود استقلال ندارند و حقوق بگیران حکومتها هستند، و بالاجبار شناگوی دولتها و ابزاری در دست مراکز قدرت و ملعبه سیاستهای حاکم می‌باشند. دولتها و مراکز قدرت هر چند خوب و صالح باشند ولی بالاخره وابستگی به آنها استقلال فکری و قاطعیت را از علمای حوزه‌ها خواهد گرفت. این درست است که دین مقدس اسلام از سیاست جدا نیست، ولی این بدان معنی است که حوزه‌های علمی و دینی باید سیاست ممالک اسلامی و مسلمین را مورد توجه قرار دهند و حتی المقدور جلوی اشتباهات و انحرافات را بگیرند، نه اینکه حوزه و علمای اعلام ابزار سیاستهای حاکم باشند. شورای مدیریت حوزه علمیه هم هر چند صادقانه عمل کنند ولی وقتی می‌توانند عظمت حوزه را حفظ نمایند و حوزه را در مسیر صحیح قرار دهند که ارگانهای حاکم کشور، حوزه و افراد حوزه را به صورت عوامل سیاستهای خود قرار ندهند و روی همین اصل بود که مرحوم امام (ره) قدرتی که قدرت داشتند معذکچون در حوزه نبودند برای نظم حوزه و تشکیک شورای مدیریت نظر حضرت‌تعالی را مورد توجه قرار دادند و خودشان کمتر دخالت می‌کردند. سیاست بازی و قدرت زدگی در حوزه علمیه قم شدت رو به گسترش است و عملاً به جای رشد ارزشهای علمی و معنوی وابستگی به قدرت و سیاست و شئون دنیوی رشد پیدا می‌کنند. در حوزه علمیه پایگاههای احداث شده که طلاب و محصلین سادطوح را به صورت شناگو و زنده‌بادگودر می‌آورد و بر اساس اهدافی که از خارج حوزه تعیین و شعارهایی که دیکته می‌شود طلاب و فضلاء حوزه را به این طرف و آن طرف می‌کشند. آیا با این وضع حضرت‌تعالی انتظار دارید در آینده فقهای اصیل و جامع‌الشرائط و علمای قاطع و خدمتگزار به عالم اسلام و تشیع که مخالف هوی و مطیع لامرالله باشند داشته باشیم؟ من اطلاع دارم که بسیاری از علما و فضلاء حوزه علمیه از وضع موجود ناراحت هستند و نظرشان متوجه تصمیم حضرت‌تعالی است.

بجاست حضرت‌تعالی به وسیله شورای مدیریت جنید و یا به هر وسیله‌ای که صلاح می‌دانید جلوی دخالتهای بیجا را بگیرید. احتیاج ارگانهای دولتی به اهل علم و روحانیین برای تصدی امر قضا و ارشاد و تبلیغ البته باید در حوزه علمیه مورد توجه قرار گیرد و در این جهت با آنها همکاری شود، ولی این امر مستلزم دخالتهای بیجا در ارگانهای دولتی در حوزه و ملعبه قراردادن طلاب جوان و سادطوح و تحریک آنان در مسیر سیاست‌بازیهای آنان نیست. بالاخره اگر حضرت‌تعالی اقدام نکنید و چاره‌ای نیندیشید در آینده‌ای نه چندان دور حوزه علمیه قم هویت معنوی و استقلال و عظمت خود را از دست خواهد داد و در نتیجه ملت نیز از روحانیت منقطع خواهد شد. دولت حتی اگر بخواهد امکاناتی از قبیل بهداشت و بیمه و امثال اینها را در اختیار روحانیت و حوزه قرار دهد باید از مسیر ریاست حوزه و تحت نظارت او باشد. البته می‌دانیم که علما و طلاب معصوم نیستند و ممکن است از ناحیه بعضی از آنان اشتباهات و یا خلافهایی بروز نماید ولی برای جلوگیری از آنها باید از طرف شورای مدیریت حوزه هیئتی مامور رسیدگی و تذکر دادن و توبیخ و تنبیه متهمین تعیین شود که خودشان مسائل را بررسی و حل نمایند و بانهایتا از طرف آنان به محاکم قضائی رسمی ارجاع شود. قدرتمندان معمولاً گرهائی را که از دست باز می‌شود با دندان باز می‌کنند و این امر صحیحی نیست. امید است حضرت‌تعالی به هر نحو صلاح می‌دانید اقدامات لازم را مینویسید. والسلام علیکم ورحماتالله وبرکاته

۱ رمضان المبارک ۱۴۱۳ ۱۳۷۱/۱۲/۴

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۶: پیام تسلیت معظله به مناسبت ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی
بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله وانا الیه راجعون

اذا مات المؤمن الفقیه نلم فی الاسلام تلمه لایسدها شی (اصول کافی، ج ۱) رحلت اسفبار استوانه تقوی و فضیلت، فقیه بزرگوار و مرجع عالیقدر عالم تشیع، زعیم حوزه‌های علمیه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج‌سید محمد رضا گلپایگانی اعلی‌المقامه برای جهان اسلام و روحانیت شیعه ضایع‌ای بزرگ و تلمه جبران‌ناپذیری بود. فقیه متعهد و گرانقدری که بیش از نیم قرن به تدریس علوم اسلامی و تربیت علما و فضلاء اشتغال داشتند و با ذهن وقاد و حسن سلیقه و پشتکار مسائل عمیق فقهی را بررسی و تحقیق می‌کردند و در این زمینه هزاران نفر شاگردان خوب تحویل حوزه‌های علمیه و بلاد اسلامی دادند. فقیه والامقامی که بیش از سی سال متصدی مرجعیت شیعه بودند و همواره در تقویت منهب اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم جمعین و دفاع از ارزشهای اسلامی سعی و کوشا بودند، و در مبارزات با طاغوت و به تشر رساندن انقلاب اسلامی ایران از یاران صدیق رهبر فقید انقلاب و پشتیبان محکمی برای ایشان بودند، و در حملات رژیم طاغوت بر حوزه علمیه قم مورد هجوم واقع شدند و مستحاصل فشارهای طاقت‌فرسائی گردیدند، و پس از بازداشت و تبعید امام راحل رضوان الله تعالی علیه عهددار اداره حوزه مقدسه قم بودند. و بالاخره با دلی پرخون از تعدیات و تجاوزات و گرفتاریهای مسلمین در مناطق بحرانی جهان اسلام دعوت حق را لبیک گفتند و جزا الله تعالی عن الاسلام و اهله خیر الجزا و حشره مع اجداده الکرام. اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات و حجج اسلام و حوزه‌های علمیه شیعه و مجامع علمی بخصوص حوزه علمیه قم، و به شیعیان جهان بخصوص شاگردان و علاقمندان و مقلبین، و به بیت

شریف و معظم ایشان بخصوص آیات و حجج اسلام آقایان آیت‌الله‌زادگان و اصهار و احفاد معظمه دامت‌افاضاتهم تسلیت می‌گویم، و از خداوند قادر متعال علو درجات و حشر با اجداد طاهریین برای آن بزرگوار و صبر جمیل و اجر جزیل و سلامت و توفیق بیشتر خدمت به اسلام عزیز برای همه منسوبین و علاقه‌مندان ایشان، و حفظ قداست و حرمت حوزه‌های علمیه و روحانیت متعهد را تحت حمایت و توجه حضرت ولی‌عصر ارواحنا لعلنا الفنا و همت و فداکاری مردم شریف و مبارز ایران مسئلت می‌نمایم. والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۱۳۷۲/۹/۱۹

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۷: پیام تسلیت معظمه به مناسبت ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی سبزواری
بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

اذا مات المؤمن الفقیه تلم فی الاسلام تلمه لا یسدها شی (اصول کافی)

رحلت فقیه بزرگوار و مرجع عالی مقدار استاد حوزه علمیه نجف اشرف حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید عبدالاعلی موسوی سبزواری علی‌الله مقامه ضایعای بزرگ و تلمه جبران ناپذیری بود برای عالم تشیع، عالم جلیل القدری که در علوم اسلامی از قبیل تفسیر و فقه و اصول محقق و مستبحر و مولف و در زهد و تقوی مشارک‌البنان بودند و آخر الامر با خشونت‌های بعثیان ظالم و یورشهای آنان به حوزه علمیه نجف اشرف و اعتاب مقدسه و مردم مسلمان عراق مواجه شدند و در این راه متحمل رنج و فشارهای طاقت فرسا شدند و بالاخره با دلی پر خون نسبت به جنایات و حملات شدید علیه اسلام و تشیع به دار بقا شتافتند، فجزاه الله تعالی خیر الجزا، اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات عظام و علما اعلام و حوزه‌های علمیه و شیعیان جهان بالاخص حضرات حجج اسلام آیت‌الله‌زادگان محترم ایشان و همه منسوبین و مقلدین معظمه تسلیت می‌گویم، و از خداوند قادر متعال علو درجات و حشر با اجداد طاهریین برای آن بزرگوار و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه منسوبین و علاقه‌مندان و رفع شر ظالمین و طواغیت زمان، و عظمت اسلام و مسلمین و حفظ حوزه‌های علمیه را در پناه حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه مسالت می‌نمایم، والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۲۸ صفر ۱۴۱۴ ۱۳۷۲/۵/۲۶

قم المقدسه حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۸: پیام تسلیت معظمه به مناسبت ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی
بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

اذا مات المؤمن الفقیه تلم فی الاسلام تلمه لا یسدها شی (اصول کافی)

رحلت عالم بزرگوار و مجتهد عالی مقدار استوانه تقوی و فضیلت مرجع عالیقدر تشیع شیخ الفقها و المجتهدین آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی اراکی طاب ثراه برای عالم اسلام و روحانیت شیعه تلمه‌ای بود جبران ناپذیری که بیش از نیم قرن بر مسندتدریس علوم عالییه اسلامی تکیه زدند و شاگردان عالم و متهمدی تربیت کردند. معظمه آخرین مجتهد مبارز از شاگردان و تربیتشدگان موسس و پایه‌گذار حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره و از یاران و علاقه‌مندان رهبر فقید انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره بودند، و مرحوم امام برای ایشان احترام خاصی قائل بودند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی‌عصر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات و علما اعلام و حوزه‌های علمیه بخصوص حوزه علمیه قم حرم انماطهار سلام الله علیهم اجمعین و مدفن پاک حضرت معصوم سلام الله علیها و به خدمتگزاران اسلام و تشیع و جمهوری اسلامی ایران پایگاه تشیع و به همه شیعیان جهان و علاقه‌مندان و مقلدین معظمه و به بیت شریف معظمه و هم‌فرزندان و بازماندگان محترم بخصوص دو عالم متهمد حضرات حجج اسلام والمسلمین آقایان مصلحی و الهی فرزند و داماد معظمه دامت‌افاضاتهم تسلیت می‌گویم، و از خداوند قادر متعال علو درجات و حشر با انماطهار سلام الله علیهم اجمعین برای آن بزرگوار و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه فرزندان و منسوبین و علاقه‌مندان آن مرحوم و دفع شر همه ظالمین و طواغیت زمان و عظمت و قدرت اسلام و مسلمین جهان و توفیق جهاد و کوشش برای حضرات آیات و علما اعلام در نشر علوم و معارف اسلامی و حفظ حوزه‌های علمیه در پناه حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مسئلت می‌نمایم، والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۲۶ جمادی‌الثانیه ۱۴۱۵ ۱۳۷۳/۹/۹

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۹: نامه معظمه به آقای دکتر فضل‌الله صلواتی پس از حادثه اهانت و سو قصد به ایشان

بسم الله الرحمن الرحیم

اصفهان جناب مستطاب آقای دکتر فضل‌الله صلواتی استاد محترم دانشگاه دامپزشکی و توفیق پس از سلام و تحیت حادثه

اخیر ایذا و تهدید و اهانت به جنابعالی که به شکل سو قصد اتفاق افتاد موجب تاسف و تاسف شد، مراتب علم و فضل و سوابق مبارزاتی و انقلابی جنابعالی در رژیم گذشته بر کسی پوشیده نیست شما یک چهره شناخته شده‌ای هستید که توسط ساراگشاه کرارا یا زندانی و شکنجه و تبعید می‌شدید و یا به اشکال دیگر مورد اینها و آزار قرار می‌گرفتید، با این حال در تمام مراحل با استقامت و تحمل شداند هم جنابعالی و هم خانواده محترمتان به راه حق که حمایت از نهضت اسلامی مردم به رهبری مرحوم امام راحل (قده) بود ادامه می‌دادید، و به علاوه نسبت به بسیاری از فارغ التحصیلان این کشور حق استادی و تربیت اسلامی دارید. جای تاسف است که در جمهوری اسلامی که امثال جنابعالی برای تشکیل آن تاکنون آن همه سختیها را متحمل شده‌اید به جای استفاده از فضل و درایت و تجربیات ارزنده شما این‌گونه با امثال شما برخورد می‌شود.

اینجانب حرکات اخیر در اصفهان مخصوصاً نسبت به جنابعالی و در مشهد مقدس نسبت به بعضی از جوانهای متعهد و انقلابی را سیاست غلط جدید و زنگ خطری می‌دانم برای نظام اسلامی کشور که جناح قدرت طلب شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری برای قلع و قمع و جمع مخالفین سیاسی خود شروع کرده‌اند، و آثار سو آن نسبت به اصل انقلاب و نظام و در جهت تامین اهداف دشمنان خارجی بر کسی پوشیده نیست. سیاست حذف فیزیکی و یا ترور شخصیتی نیروهای اصیل انقلاب و نظام یکی از برنامه‌های قدیمی آمریکا و اسرائیل و ایادی آنان بوده و هست. این سیاست شیطانی یک روز توسط گروههای الحادی و منافق صورت می‌گرفت، و امروز توسط عناصر سادطرح و فریب‌خورده دیگری که تاسف‌ناکانه با نامهای مقدس، آنان را مأمور اجرای این سیاستهای شیطانی نموده‌اند.

امیدوارم مسئولین کشور به خطر این‌گونه برخوردها توجه نمایند و تا دیر نشده درصدد اصلاح امور و تغییر این سیاست برآیند. از خداوند قادر متعال سلامت و توفیق جنابعالی را در راه خدمت به اسلام عزیز و انقلاب و کشور مسألت می‌نمایم والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته

قم المکرّمه ۱۳۷۶/۸/۲۳

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۴۰: نامه معظمله به آیتالله پسندیده در مورد رکسالت حجبالاسلام سید احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

جماران آیتالله آقای حاج سید مرتضی پسندیده دامعزّه و بقانه

پس از سلام و تحیت، استماع خبر ناگوار کسالت ناگهانی و سخت یادگار حضرت امام طاب‌ثراه جناب مستطاب حجبالاسلام آقای حاج سید احمد خمینی حفظه الله موجب تاسف و تأثر شد. امید است خداوند قادر متعال به لطف خود و به برکت اجداد طاهرین ایشان سلام الله علیهم جمعین به ایشان و به همه بیماران اسلام شفای عاجل عنایت فرماید.

مستدعی است مراتب تأثر و تفقد اینجانب را به مخیره مجلله والده محترمه ایشان و به خانواده محترمه و آقازادگان ایشان مخصوصاً جناب‌عصام الاعلام آقای حاج سید حسن آقا و به همه علاقمندان محترم ابلاغ فرمایید. انتظار می‌رود آنان در همه گرفتاریها صابر و بردبار باشند که: "انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب". والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۳ شوال ۱۴۱۵ ۱۳۷۳/۱۲/۲۳

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۴۱: پیام تسلیت معظمله به مناسبت درگذشت حجبالاسلام حاج سید احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا الیه راجعون

جماران جناب مستطاب آیتالله آقای حاج سید مرتضی پسندیده دامعزّه و توفیق پس از سلام و تحیت، مصیبت ناگوار ارتحال نابهنگام مرحوم مغفور یادگار حضرت امام طاب‌ثراه جناب مستطاب حجبالاسلام آقای حاج سید احمد خمینی رحمة الله علیه که عمر خود را در راه انقلاب و اهداف حضرت امام قدس سره صرف نمود موجب تاسف و تأثر شد.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و به حضرات علما اعلام و خدمتگزاران به اسلام و کشور و به همه علاقمندان و به بیوت شریفه و محترمه حضرات امام خمینی (ره) طباطبائی و تقفسی مخصوصاً به حضرت تعالی و والده مجلله مکرماشان و خانواده و فرزندان بخصوص جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای حاج سید حسن آقا دامتوفیقاته و به جناب مستطاب آیتالله سلطانی دامتبرکاته تسلیت می‌گویم و از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم غفران و حشر با اجداد طاهرین سلام الله علیهم جمعین، و برای همه بازماندگان و علاقمندان صبر جمیل و اجر جزیل و برای فرزندان و یادگاران آن مرحوم سلامت و سعادت و توفیق بیشتر مسئلت می‌نمایم.

در خاتمه به منظور تسلی خاطر والده مجلله ایشان که سابقاً داغ فرزند عزیز و ارزنده خود مرحوم حجبالاسلام والمسلمین آقای حاج آقامصطفی طاب‌ثراه و فعلاً داغ حجبالاسلام آقای حاج سید احمد را دیدند حدیث با ارزش و تسلی دهنده‌ای از امام صادق علیه السلام را یاد آور می‌شوم باشد موجب صبر و بردباری ایشان گردد:

فی الکافی (ج ۳، ص ۲۱۸) بسنده عن ابی عبد الله (ع) قال: "تولد یقده الرجل افضل من سبعین ولدا یخلفهم بعده کلهم قد ركبوا الخیل وجاهدوا فی سبیل الله."

"انسان یک فرزند را از پیش بفرستد و داغ او را ببیند برای او افضل است از هفتاد اولاد که بعد از او بمانند و در راه خدا جهاد نمایند." والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۷ شوال المکرّمه ۱۴۱۵ ۱۳۷۳/۱۲/۲۷

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۴۲: فرآزهایی از نصایح پدرا نه معظله به اعضای دفتر پس از درگذشت آیتالله العظمی اراکی، مورخه ۱۳۷۳/۹/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

... بارها گفتام من امتیازی بر دیگران ندارم، من یک طلبی هستم مثل شما... از همه شما آقایان خواهش می‌کنم اگر کسانی نسبت به من اهانت می‌کنند چه به زبان یا در روزنامه و یا شبنامه عکس العمل نشان ندهید زیرا عکس العمل باعث اختلاف و نزاع می‌شود، ما نیاز به آرامش داریم، باید حوزه آرام باشد، باید برای حفظ حوزه، حفظ کشور، حفظ اسلام و مسلمین وحدت کلمه داشته باشیم، درگیری به مصلحت اسلام نیست، اختلاف و تفرقه به مصلحت کشور و حوزه علمیه نیست، حالا یک انسانی چیزهایی می‌گوید بگوید، یا می‌نویسد بنویسد، اینها جواب دادن ندارد و بالاخره روز قیامت باید چیزهایی باشد که جبران گناهانمان را بکند، بنابراین من تاکید می‌کنم و خواهش می‌کنم در مقابل اهانت‌هایی که به شخص من می‌شود عکس العمل نشان ندهید و به دیگران هم بگویید...

وحدت کلمه را در برابر دشمنان بیگانه و خارجی حفظ کنیم، باید با هم باشیم تا بتوانیم حریم اسلام و مسلمین را حفظ نماییم، و قتل‌عام را صرف منازعات جزئی و درگیریهای داخلی نماییم، چون امروز جهان اسلام گرفتار است، امروز در افغانستان می‌بینید چه می‌گذرد، امروز در یوسوسی و هرزگوین می‌بینید چه جنایاتی می‌شود چگونه صربها دارند مسلمانان را قتل‌عام می‌کنند و دنیا ساکت است، این مصیبت نیست کارویایها برای یک سگ یا یک گریه‌شان راه پیمایی می‌کنند به اسم حمایت از حیوانات، اما این همه مسلمان را دارند می‌کشند هیچ حرفی نمی‌زنند و سازمان ملل هم دفع الوقت می‌کند و برای آن که پرستیوشان حفظ شود گاهی یک چیزی می‌گوید ولی امتیاز بیشتر را به صربها می‌دهد، آیا این درد نیست برای ما مسلمانها. این مساله فلسطین مگر کم مهم است که یک روز با اسرائیل می‌جنگیدند و امروز خود فلسطینیها به جان هم افتادند، در روایت است نهضتی از قم شروع می‌شود و قدس عزیز را از دست یهود و اسرائیل نجات می‌دهد، امیدواریم شاهد آن روز باشیم، علی‌ای حال با توجه به این مشکلات و دردهایی که عالم اسلام به آن گرفتار است استکبار و دشمنان اسلام در کمین‌ناپودی ما و همه مسلمانان نشستند، باید بیدار باشیم و تشنه و تفرقه در میانمان نباشد و از منازعات جزئی و درگیریها اجتناب نماییم، لذا من تاکید می‌کنم کسی چیزی برای من می‌گوید یا می‌نویسد که موجب وهن من می‌شود اعتنا نکنید و از آن بگذرید، چیز مهمی نیست....

واقعا اگر گناه نبود و احساس مسئولیت شرعی نمی‌کردم می‌رفتم در گوشه‌های مشغول مطالعه و عبادت و دعا می‌شدم و از همین کار جزئی هم که مراجعات مردم هست کنار می‌کشیدم، اما می‌ترسم اگر کنار بروم روز قیامت مسئول باشم... به همه آقایان عرض می‌کنم که اگر شما مرید و علاقه‌مند به یک آقای هستید احترام شما به او مستلزم این نیست که به دیگران اهانت کنید یا نسبت به دیگری جسارت نمایید، سعی کنید به هیچ یک از علما، بزرگان، فضلا، مدرسین و حتی به یک مسلمان ساده بی‌احترامی نشود، در حدیث است: "من اهان لی ولیا فقد بازونی بالمحاربه، هرکس به یکی از مومنین اهانت کند با خدا سر جنگ دارد." پس توهین به کسی نکنید، که اینها جواب دارد، بازخواست دارد، شخصی خدمت رسول اکرم (ص) آمد گفت: "یا رسول الله اوصنی، ای رسول خدا وصیت کن مرا" حضرت فرمود: "احفظ لسانک" تا سه مرتبه فرمود زبانت را حفظ کن، و در آخر فرمود: "هل یکب الناس فی النار علی منازعهم الا حصائد السننهم، آیا چیزی مردم را در آتش خواهد انداخت مگر دروغ‌های زبانشان"، ما خیال نکنیم هرچه گفتیم یا نوشتیم تمام شد، این طور نیست، هر حرفی می‌زنیم عواقب دارد، دنباله دارد، و تمام آثارش در نامه عمل ما نوشته می‌شود که چرا این حرف را زدیم، لذا در حرف‌هایمان و گفتارمان مراقب باشید....

هر حرفی را انسان نباید بزند، تازه این هم به نفع دیگری، آیا عقلایی است آدم برای دیگری به جهنم برود. بنابراین سعی کنید که به کسی اهانت نکنید، به علما، بزرگان، خدمتگزاران و مسلمانها احترام بگذارید، کاری نکنید دشمنان اسلام از ما سو استفاده کنند... بارها گفتام که بیت ما مربوط به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، این امکانات جزئی که هست مربوط به ایشان و بیت‌المال است و این دفتر برای امور شرعی و مسائل دینی و مباحث علمی و اعتقادی باز می‌باشد، و شما هرکاری می‌کنید برای خدا و امام زمان باشد، از خداوند می‌خواهیم به همه ما توفیق دهد که به اسلام و مسلمین خدمت کنیم. خداوند درجات حضرات امام خمینی و آیتالله العظمی گلپایگانی و آیتالله العظمی اراکی قدس سرهم را متعالی فرماید. والسلام علیکم ورحمته و برکاته

پیوست شماره ۲۴۳: نامه جمعی از شاگردان معظله به حضرات آقایان علما و مراجع درباره اخلاک‌گری در درس فقه ایشان مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۳

بسمه تعالی و الیه المشتکی

حضرات آیات و علما اعلام و مسئولین محترم حوزه علمیه قم و فقهاء الله لمرضاته "ضمن عرض سلام، بسمه اطلاع آقایان می‌رسانیم که در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۳ و در پایان درس فقیه‌الیقین حضرت آیتالله العظمی منتظری (حفظه الله تعالی) جمعی تحریک شده حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر از طلاب مبتدی و جوان اقدام به شکستن و تخریب وسائل در حسینیه شهدا (محل درس) نمودند و با شعارهای بسیار زننده که حاوی توهین نسبت به استاد گرامی حوزه و نیز حمایت از رهبری بود به ایجاد ناامنی پرداختند و بعد هم با تهدید طلاب و فضلا (به اینکه از فردا درس تعطیل است و اگر کسی در درس حاضر شود به عنوان ضد انقلاب با او برخورد خواهد شد) سعی در به تعطیل کشاندن درس نمودند، البته هیچکس به آنها پاسخی نداد و طبق سفارشات مکرر فقیه‌الیقین و همانند معظله سکوت نمودیم.

حالا جای سؤال است که این افراد با چه مجوزی این اقدامات غیرقانونی و غیرشرعی را انجام می‌دهند؟ چرا از سوی

مسئولین امر اقدامی برای رعایت امنیت و قانون صورت نمی‌گیرد؟ اگر ادعا می‌شود که اینها مردمند، آیا شاگردان ایشان جز مردم نیستند؟ یا عده‌ای از مردم حق دارند حق دیگر مردمان را نادیده بگیرند؟ آیا این عده که روز قبل هم (بعد از نماز جمعه) اقدام به هتاک کرده و روز قبل از آن اطلاعیه داده بودند و هیچ گونه مانعی برای حرکات تغییرقانونی خویش نیافتند از دیدگاه مسئولین و آقایان علما کاری پسندیده انجام دادند و این‌گونه اعمال را حمایت از رهبری می‌دانند؟ اگر این اعمال را ناروا می‌دانند، پس چرا اقدام صریحی برای توقف این حرکات نابخردانه انجام نمی‌گیرد؟ آیا اگر حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) به جای سفارش به استفاده مردم و نظام از درس ایشان نعوذ بالله سفارش به آزار و اذیت می‌نمودند این افراد زشت‌تر از این عمل می‌کردند؟ آیا مسئولین توان جلوگیری از این ناامنی‌ها را ندارند؟ گمان ما بر این است که هم توان جلوگیری از ناامنی را دارند و هم موظف به پیشگیری هستند، وگرنه موجبات وهن و خسارات غیر قابل جبران برای حوزه‌های علمیه و نظام جمهوری اسلامی فراهم آمده و سستی عقیده و ایمان عمومی مردم را در پی خواهد داشت، و در آینده‌ای نه چندان دور همه شخصیتها و درسهای حوزه دچار ناامنی گردیده و در نهایت خدای ناکرده ضحلال حوزه را شاهد خواهیم بود. والسلام علیکم و علی عباد الله الصالحین

شاگردان درس حضرت آیت الله العظمی منتظری

پیوست شماره ۲۴۴: نامه جمعی از اساتید و مدرسین دانشگاه به حجج الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در مورد حمله به حسینیه و درس فقیه عالیقدر

بسمه تعالی

جناب حجج الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

همانگونه که استحضار دارید، روز جمعه دوم دی ماه ۱۳۷۳ گروهی با اعلام قبلی در مقابل بیت آیت الله العظمی منتظری در قم اجتماع کرده و شعارهای موهن و تهدیدآمیز نسبت به ایشان روا داشتند. همچنین گروه مذکور علاوه بر پخش اعلامیه‌های توهین‌آمیز در سطح شهر، روزشنبه مجدداً با حمله به درس خارج فقه ایشان و به منظور تعطیل کردن درس اقدام به تعرض و تخریب در محل کردند که با تاکید آیت الله منتظری بر سکوت و خودداری حاضران از عکس‌العمل، از یک نزاع بی‌حاصل جلوگیری شد. بسا توجه به اینکه این قبیل اقدامات ناقض حقوق فردی مشروع و مصرح در قانون اساسی است و همچنین عوارض عسار و عسارض سونی را در جامعه دنیال دارد، از آن جناب به عنوان حافظ قانون اساسی خواهانیم که از تکرار این‌گونه اعمال جلوگیری فرمایند تا حاکمیت قانون و اصول انقلاب تضمین گردد. والسلام ۱۳۷۳/۱۰/۶

جمعی از اعضای هیئت علمی، اساتید و مدرسین دانشگاههای تهران و محققین و نویسندگان علمی مدرسی: لو ترک القطا لنام سید هاشم آقاچری: اقدام ضداسلامی، ضدانقلابی و ضدقانونی تجاوز به حریم استوانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی منتظری را محکوم می‌کنم عباس عبدی حسین قاضیان محمد ترکان حاتم قادری علی رضاقلی سعید سبزیان مجتبی بدیعی حسین اعتمادی قاسم میقانی: حداقل انتظار اجرای قانون اساسی به عنوان خونههای شهدای انقلاب است تا موجب دوام سایر نهادهای انقلاب گردد حمید حقانی علیرضا علوی تبار سید مسجبتی شیری سید محمود حسینی محمود صارمی سید عبدالحسین حجتزاده جلیل رضایی مهدی باقی مهدی آریاسین عمادالدین باقی: تجاوز، توهین و ارباب، نسبت به هر شهروندی محکوم است چه رسد به یک مرجع بزرگ دینی. چهره خشونت همیشه زشت است پایه‌گذاری این سنتها جز بی‌اعتمادی و از هم‌گسیختگی در پی نخواهد داشت. این روشها چون تسیخ دو دم است و قریبانیان بعدی‌اش مرتکبین و مویدین آن خواهند بود. فرهنگ خشونت‌همه سرمایهها و استعدادهای کشور را می‌بلعد حسین واله تحسین طبیعتشناس محمود دهقانی اکبر گنجی محمد رحمانی محمدعلی زکریایی محمدرضا قزوینی محمدنقی شهیدی احمد جعفرنژاد طهرمورت حسنی پور محمدرضا نیکبخت هادی اسفندیاری منصور مومنی عبدالرضا افتخاری بهروز دری داود سلیمانی رضا تهرانی کاظم میقانی اسماعیل بلوری.

رونوشت: مدیریت محترم حوزه علمیه

مطبوعات

پیوست شماره ۲۴۵: نامه آقای سعید منتظری به آیت الله خامنه‌ای، مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۲۴

بسمه تعالی

حضور محترم مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظه الله

بسا عرض سلام و درود خالصانه و تبریک صمیمانه ایام مبارک شعبان المعظم و با امید به سرفرازی جمهوری اسلامی و برقرار ماندن عدل و تحقق نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و خوشنودی حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج) که بنا به وظیفه شرعی و برادری اسلامی، پس از سالها فراق لحظاتی مصدع اوقات شریفتان می‌گردم. چندی سال است که فضای مسموم ایجاد شده باب گفتگو را با شما و سایر دوستان و یاران دیروز بسته است، در حالی که "گفتگو" کلید دریافت حقایق و حتی به طور کلی رمز تفاهم ملی و مذهبی هر اجتماعی است.

پس از حملات زشت و نابخردانه روزهای جمعه و شنبه ۲ و ۳ و ۴ به حسینیه شهدا، گرچه مانند هر آزاده‌ای آزاده خاطر شدم اما آن را به‌غافل نیک گرفته و با خود اندیشیدم که گوشه‌هایی از این آزارهای چندساله را در نامه‌ای به عنوان درد دل برای شما بنویسم (و اگر فرصتی دستداد تفصیل آن را در مجالی دیگر برایتان بگویم) اما چند بار فزانهایی از آن را نوشته و پاره کردم. می‌نوشتم اما انبوهی از سئوالات بر من هجوم می‌آورد و مایوس می‌شدم و فکر می‌کردم آیا کسانی که احیاناً از این

نامه مطلع می‌شوند آن را حمل بر سو نیت نخواهند کرد؟ آیادستخوش تحلیلهائی که در مخیله من هم خطسور نکرده قرار نخواهد گرفت؟ و آیا و آیا... اما سرانجام در این جدال حس اعتماد پیروز شد و تصمیم گرفتم با تداعی آن روزهای خدایی و به یادماندنی انقلاب و جنگ و آن گذشته پر از وفا و صمیمیت و یکدلی قلم به دست بگیرم و باشما در آن فضای ملکوتی گفتگو کنم، و چون در هفته جانباز بسر می‌پریم و عبارات زیبای شما را در مورد جانبازان دیدم خود انگیزه‌های مضاعف شد که نه فقط به عنوان سعید منتظری بلکه به عنوان جانباز کوچکی از انقلاب نیز علاوه بر اینکه هیچ منتی ندارم تاسف می‌خورم از اینکه چرا مانند بسیاری دوستان همه وجود رهین منت شهادت نشد با شما سخن بگویم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عقاید و نظرات پدر من که دوست و دشمن بر سابقه طولانی و درخشان مبارزه و ققاهتش اعتراف دارند بر کسی پوشیده نیست که هر روز عنای می‌خواهند چیزی را به ایشان نسبت دهند. پدرم همواره معتقد بود که در ایران با توجه به خصوصیات خاصی که از نظر انسانی جغرافیائی، فکری، مذهبی، زبانی و... وجود دارد باید همه کسانی که اسلام، ایران و انقلاب را قبول دارند (حتی اگر من و شما را قبول ندارند) زیر یک پرچم واحد جمع شوند و در فضائی آزاد به سازندگی پرداخته و در گردش امور مشارکت کنند، وگرنه این کشور همیشه دچار بی‌ثباتی و... خواهد بود و هیچ وقت فرصت پیشرفت پیدا نخواهد کرد و بقای حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه را هم در گرو عمل به این مهم می‌دیدند.

ایشان آزادی و گرایش به وفاق ملی را آرمان مهم انقلاب اسلامی دیده که استقلال کشور را هم تضمین خواهد کرد، و این نظریه هیچ وقت دلاله بر نفی دوستان و یاران او در انقلاب و ترجیح مخالفان آنها نمی‌کرد، و با وجود آنکه ایشان از پایه‌گذاران انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده و از همه نزدیکتر به کارگزاران نظام می‌باشند اما همواره عناصری کوشیده‌اند نظام و دست اندرکاران آن را در جبهه دشمنی با ایشان قرار دهند و بالعکس، شما و همه کسانی که از سالها پیش که من کودکی بیش نبودم ایشان را می‌شناسید و به روحیه خاص و صراحت‌لهجه ایشان بخوبی واقفید، اما هر بار که کلامی بر زبان جاری نمودند بدون اینکه روحیه معروف ایشان را در نظر بگیرند حمل بر غرض کردند به همین بهانه‌های واهی طی چند سال گذشته یکسره و یکطرفه به ایشان تاخت‌و‌تاز و دهها هزار جلد کتاب و جزوه و صدها مطلب و مقاله در روزنامه‌های کثیرالانتشار با امضاهای معلوم و مجهول و یا مجهول علیه ایشان منتشر شده و می‌شود و در هر کوی و برزن و شهر و روستا توزیع کرده و می‌کنند، و اگر چه حجم آنچه به عنوان دفاع در آمده در مقایسه با آنها بی‌مقدار و غیر قابل ذکر است و با آنکه در مقابل آن همه گفته‌ها و نوشته‌های کاملاً یکطرفه جواب و سند و دلیل کافی وجود داشت اما ایشان سکوت کردند، زیرا آنان را هم عضو خانواده خود دانسته و دفاع کردند از تشدید تضاد خانوادگی و داخلی و به زبان نظام و انقلاب می‌دانند و لذا سکوت برایشان گوارتر بوده و هست، و به همین خاطر من همین‌ها را از این مقوله‌ها حرف بزنم که این قبیل مجادله‌ها پنجه در روی برادر افکنند است، بلکه می‌خواهم بر اساس "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة" از ظلمهایی که در این راستا به کسانی دیگر شده و از عوارضی که ایجاد کرده و می‌کند سخن بگویم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طی چند سال گذشته به عناوین مختلف دهها نفر دستگیر شده‌اند و مسائل مختلفی بر ما گذشته است که فقط به مواردی از آن پرداخته توضیحاتی مختصر پیرامون آنها نگاشته که امید است مضمح نظر قرار گیرد. البته اینجانب در حلی نیستم که خواسته باشم در مقام قضاوت‌تقرر گیرم ولی آنچه مهم و باعث ذکر این مورد گشت اتفاق نظر راجع به عدم تناسب جرم و احکام صادره نسبت به برادران و سروران عزیز است که جملگی از مخلصین و محبین امام و انقلاب اسلامی بوده و در این راه افتخار آفرین لحظه‌ای تردید به خود راه نداده‌اند و همین بس که جملگی از پیش کسوتان انقلاب و جبهه و جنگ و از خانواده‌های محترم و گرانقدر شهدا می‌باشند و به همین جهت است که این مورد را مقدم بر بقیه موارد و به جهت مراعات مصالح عالی و حقوق شرعی مسلم این عزیزان، تقاضا نمودم مورد توجه و امعان نظر حضرت‌تعالی قرار گیرد.

الف افراد و احکام صادره:

۱- حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین ایزدی: اینجانب کوچکتر از آنم که خواسته باشم در مورد فضائل و مناقب و مراتب بلند زهد و تقوا و... ایشان توضیح دهم و خود حضرت‌تعالی یقیناً نسبت به ایشان و سوابق و لواحقشان شناخت کامل دارید. به هنگام دستگیری ایشان نماینده فقیه‌عالیقدر در نجف‌آباد و سرپرست و مدرس حوزه علمیه با افتخار این شهر شهید داده بودند که بازداشت ایشان منجر به بروز مسائل ناهنجاری از جمله حمله به زنان محترمی شد که برای آزادی ایشان تحصن آرام برگزار نموده و مشغول خواندن دعا بودند، و نهایتاً با عنوان نمودن اتهامهای موهوم و بی‌اساسی ایشان را مظلومانه به ۵ سال تبعید در خرم‌آباد محکوم کردند.

۲- روحانی خدوم و بسیجی حجه‌الاسلام آقای زمانیان: که به جرم حمایت از آقای ایزدی به ۶ سال زندان محکوم گردیده است و هیچ اتهام دیگری ندارد.

۳- مهندس محمود دردکشان: از دوستان و یاران برادر شهیدم از قبل از انقلاب و بعد آن و از فعالین جبهه و جنگ و قرارگاه رمضان و در زمان دستگیری، مدیر کل تخلفات اداری وزارت پست و تلگراف و تلفن و استاد دانشکده مخابرات و سرپرست دو خانواده شهید گرانقدر جنگ‌تحملی (جرم ایشان حداکثر تکثیر و توزیع جوابیه‌هایی بر تهنه‌های مطروح شده نسبت به فقیه‌عالیقدر و محکومیت ایشان ۴ سال زندان کتا به حال دو سال آن را گذرانده است.)

۴- برادر جانباز حجه‌الاسلام شیخ حسنعلی نوریها: گوینده و نویسنده توانائی که اوایل انقلاب در کنار برادر شهیدم و بعد از آن همواره در جبهه‌های جنگ حضور داشت و به اتهام ترویج فقیه‌عالیقدر به ۲ سال زندان محکوم گردیده و حدود یک سال از آن را گذرانده است.

۵- کارگر زحمتکش و مخلص آقای خیراللهی: که به جرم فروش رساله فقیه‌عالیقدر در نماز جمعه اصفهان به سه ماه تبعید در یزد و پس از گذراندن این دوران نظر به اینکه باز به فروش کتاب ادامه دادند به ۷۰ ضربه شلاق و ۹ سال زندان محکوم گردیده و بیش از یک سال است کدر زندان بسر می‌برد (بسیار جای تاسف است که این جرم و حکم صادره بر آن را روزنامه کیهان هم

چاپ کرده بود. (قابل توجه است که ایشان علاوه بر سوابق حضور مکرر در جبهه و مجروحیت، چند تن از اعضای خانواده‌اش به شهادت رسیده‌اند و او تنها سرپرست مادر سالخورده خود می‌باشد.

۶ روحانی مخلص و برادر عزیزم حج‌الاسلام حاج شیخ غلامرضا حجتی: که حدود سه‌ماه است دستگیر شده و با آنکه طی تلفنی که زده‌اند ناراحتی کلیه شکایت داشته ولی با این حال در تمام این مدت در سلول انفرادی بوده و با کمال تأسف خبر از بی‌خوابی دادنه‌های مداوم و...؟ نسبت به ایشان وجود دارد و تأسف انگیزتر اینکه تنها جرمی که نسبت به وی سراغ دارم حدود ۱۲ سال هم بحث بودن با اینجانب در دروس حوزوی می‌باشد. لازم به ذکر است که برادر ایشان اولین شهید جهاد سازندگی نجف‌آباد بوده است.

۷ برادر عزیز حج‌الاسلام حاج سید ناصر موسوی: که از زندانیان قبل از انقلاب و از علمداران قیام ۱۵ خرداد ۱۳۵۶ در مدرسه مبارک‌فیه و بعد از انقلاب هم در خدمت سپاه پاسداران انقلاب و دفتر فقیه‌عالیقدر که حدود ۲ ماه زندان انفرادی و...؟ را متحمل و اینک موقتا تا زمان دادگاه آزاد گردیده است. (جرم ایشان فتوایی کردن چند نسخه از جوابیه تهمت‌های وارده بر فقیه‌عالیقدر بوده است.) قابل ذکر است که ایشان هم برادرش شهید مفقود الجسد می‌باشد.

۸ روحانی مخلص و جانباز حج‌الاسلام آقای سید ابراهیم حجازی: که به جرم نوشته‌وزینی که در جیواب اتهام‌های وارده بر فقیه‌عالیقدر در جزوهای موسوم به "قضاوت‌نامه" تهیه کرده بود به ۲۰ ماه حبس محکوم و تا حال اکثر آن را گذرانده است. هر کس که این جوابیه به جزو قضاوت‌نامه را می‌خواند و از این محکومیت مطلع می‌شود انگشت حیرت بر دهان می‌گیرد.

۹ دانشجو و روحانی بسیجی حج‌الاسلام آقای رضا احمدی: که حدود سه ماه است دستگیر و در تمام این مدت در سلول انفرادی و با کمال تأسف در طی این مدت متحمل فشارهای روحی و جسمی؟ گردیده است. این برادر عزیز قبلا هم یک سال تمام در زندان بسر برده و در دوران جنگ نیز داوطلبانه مدت مدیدی در جبهه حضور داشته است.

لازم به ذکر است که دهه‌ها دیگر هم طی این مدت دستگیر و با گذراندن محکومیت‌های خود آزاد گردیده‌اند و همچنین برای اکثر آنان زندان‌های تعلیقی و... در نظر گرفته‌اند.

ب عزل و برکناری افراد لایق و مخلص و باصلاحیتی که غیر از خدمت‌گزاری نظام هیچ داعیه‌ای نداشته‌اند که در این مورد حرف فراوان است و تنها دو مورد آن را متذکر می‌شوم: ۱- برادر عزیزم آقای جلالی، معاونت دادستان انقلاب مشهد را به خاطر اینکه پدرم در مسافرت به مشهد مقدس در منزل ایشان مهمان شده بود از کار برکنار نمودند و حتما حضرت‌عالی ایشان را خوب می‌شناسید. سوابق مبارزاتی ایشان نیاز به توضیح ندارد.

۲ عزل چند تن از حضرات آقایان ائمه محترم جمعه تنها به دلیل علاقه‌مندی به آیت‌الله منتظری.

ج تصاحب منزلی که در اختیار خانواده برادر شهید و گرانقدرم بود که البته اصل آن مهم نیست بلکه برخوردهای زشت و ناپسندی که در هنگام تصاحب مرتکب شدند مورد نظر است. لازم به ذکر است که این منزل در دوران جنگ به عنوان پناهگاه ساخته شده بود و در آن به منزل پدرم و منزل برادر شهیدیم باز می‌شد که بدون اطلاع قبلی و با ایجاد رعب و وحشت و... در روز عید مبعث پارسال قفل آن را شکسته و وارد شدند و آنجا را به یکی از شعبات وزارت اطلاعات تبدیل کردند. آیا اگر خود شما بدانید که در خانه دیوار به دیوارتان عده‌ای بهانه‌جو و افراد غریبه و نامحرم با وسایلی گفتم‌گویی عادی خانوادگی تان را گوش می‌کنند چه احساسی پیدا خواهید کرد؟ (مشروح این ماجرا در نام‌های بریاست محترم جمهوری نوشته شده بود که جهت اطلاع ضمیمه می‌گردد.)

د اموال و اسباب و اثاثیه و آرشیو دفتر بعد از قضایای بهمن ۱۳۷۱ که منجر به غارت و توقیف اموال و اسباب و اثاثیه دفتر و حسینه گردیدند شده بود که نسبت به عودت آنها اقدام شود و اکنون بعد از گذشت دو سال هنوز قسمت اعظم آن را عودت نداده‌اند. بد نیست در این مورد مطلبی را نقل نمایم، دفعه آخری که برای تحویل گرفتن مختصری از اثاثیه به اداره اطلاعات قم رفته بودم مسئول آن اداره چنین گفت: "دیدید که جوسازی و پیش‌این و آن رفتن اثر ندارد، ما همان جور که اثاثیه را بردیم هر وقت هم خودمان خواستیم پس می‌دهیم." اینجانب گفتم این حرف خوبی نیست که می‌زنید زیرا آیت‌الله مومن گفتند که آیت‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند کلیه اموال و اثاثیه که برده شده بازگردانده شود و حالا شما می‌گوئید هر وقت خواستیم پس می‌دهیم. وی گفت که: "ایشان چنین نفرموده و آقای مومن خودشان چنین برداشتی فرموده‌اند" و من هم در جواب گفتم اگر امر دایر شود بین اینکه بگویند آیت‌الله مومن راست می‌گویند یا اطلاعات و دادگاه ویژه همه خواهند گفت آیت‌الله مومن، که ایشان ناراحت شد و دیگر بحثی نشد.

تا این ساعت اکثر اسباب و اثاثیه و کل آرشیو دفتر در اختیار آنهاست و بر حسب ظاهر آن را فراموش شده تلقی می‌نمایند.

ه در تمام سنوات گذشته با لطف‌الحیل سعی شده که حالت ترس و خودگریزی نسبت به دفتر و بیت فقیه‌عالیقدر ایجاد شود و به منظور اخلال در درس فقیه‌عالیقدر به طرق مختلف عده‌ای از فضلا را تهدید و مرعوب کرده‌اند که البته توفیقی هم نیافتند.

و اما آخرین قضیه: در روز جمعه ۷۳/۱۰/۲ (پس از پخش اعلامیه‌های اهانت آمیز در سطح شهر قم) حدود ۲۰۰ نفر با اجتماع در مقابل حسینه شهدا شعارهای زشت و زنده‌ای سر دادند و سپس بر درب ورودی حسینه (که زمانی نه چندان دور محل برگزاری سمینارهای ائمه‌جمعه و تجمع نهضت‌های آزادیبخش سراسر جهان و محل درس فقیه‌عالیقدر است و ایشان در تمام دوران جنگ تحمیلی از این حسینه مشوق رزمندگان عزیز و... بودند) پلاکاردی با عنوان "مسجد ضرار" نصب نمودند.

بد نیست بدانید که از اول ماجرا تا آخر نیروهای انتظامی و اطلاعاتی شاهد ماجرا بودند و هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان ندادند، گرچه باید بر حسب قوانین و مقررات بایستی برگزار کنندگان چنین اجتماعاتی ولو محدود مشخص و مجوز لازمه را از وزارت کشور و فرمانداری محل کسب نمایند. یکی از سرکردگان این اجتماع چیزی شبیه قطعنامه ایراد و در آن خواستار برکناری آیت‌الله مومن و تعطیلی درس فقیه‌عالیقدر شد و به مسئولین یک هفته مهلت داد تا نسبت به تعطیلی